



مرکز مجرب از امام صادق علیه السلام

سیوطی

جلسه (۱۱۱) ۷

استاد: وافی یزدی

موضوع: حال-تمیز

نکته:

شرط جمله حالیه که با ماضی مثبت متصرف خالی از ضمیر آغاز شده این است که همراه «قد» بیاید و این «قد» یا ظاهر است یا مقدر، زیرا این «قد»، ماضی را به زمان حال نزدیک می کند. اما جناب «سعد» و «کافیجی» به این مطلب اشکال کرده اند که حال در اینجا منظور حالت و هیئت است نه حال در مقابل ماضی و مضارع که نیاز به «قد» داشته باشد.

حذف حال:

- ۱- اگر حال، جواب سوال باشد: کیف جئت؟ راکباً
- ۲- حال، حصر شده باشد: لم أعده إلا حرصاً
- ۳- حال، نائب از خبر باشد: ضربی زیداً قائماً
- ۴- حال، منهی عنه باشد: لا تقربوا الصلاة و أنتم سکاری

تمیز

تمیز اسمی است که به معنای «مِن» بوده و روشن کننده ابهام ماقبل و نکره است؛ منصوب می شود و عامل نصب، آن

چیزی است که تمیز از آن رفع ابهام کرده: و اِشْتَعَلَ الرَّأْسَ شَيْئاً

نکته ۱: گاهی تمیز رفع ابهام نمی کند بلکه فقط برای تاکید می آید: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا

نکته ۲: تمیز نکره است و اگر جایی معرفه بود، باید در معنا آن را نکره گرفت: وَ طَبَتِ النَّفْسُ يَاقِيسَ عَنِ عَمْرٍو

نکته ۳: اگر تمیز، رافع ابهام از ذات باشد، همان ذات عامل نصبش است ولی اگر رافع ابهام از نسبت باشد، عاملش فعل یا شبه فعلی است که در کلام ماقبل بوده.